

آسیب‌شناسی مسائل قومی در ایران مطالعه موردی عرب‌های ساکن شهرستان اهواز^۱

عبدالرضا نواح^۲

دانشیار و عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

نوراله قیصری^۳

استادیار و عضو هیئت علمی پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی

سید مجتبی تقوی‌نسب^۴

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی و مدرس دانشگاه پیام نور

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۵/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۴/۱۵

چکیده

تحقیق حاضر با استفاده از رویکرد کمی و به صورت پیمایشی در شهرستان اهواز انجام گرفته است. در این تحقیق، هویت قومی بخشی از جمعیت عرب این شهر مورد بررسی قرار گرفته است. اهداف کلان تحقیق، پاسخگویی به سؤال‌های زیر است: (۱) عوامل داخلی مؤثر بر هویت قومی این بخش از جمعیت شهرستان اهواز چه بوده است؟ (۲) تغییر در هویت قومی این بخش از جمعیت چه تأثیری بر هویت ملی آنان داشته است؟ (۳) تغییر در هویت قومی چه تأثیری بر گرایش سیاسی مردم دارد؟ (۴) تغییر در هویت قومی چه تأثیری بر گرایش به خشونت جمعی این جمعیت داشته است؟ نمونه آماری در این تحقیق، ۳۸۴ نفر از عرب‌های ۱۸ تا ۶۵ سال (زن و مرد) ساکن شهرستان اهواز بوده است. داده‌های این تحقیق در زمستان ۱۳۸۶ طی کاری سه‌ماهه، توسط پرسشنامه و به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای جمع‌آوری شده است. همچنین به منظور دقت بیشتر، یک پرسشنامه پیش‌آزمون در مهر ماه ۱۳۸۶ در بین ۵۰ نفر از عرب‌های ساکن شهرستان اهواز تکمیل شده است. نتایج حاصل از تحلیل دو متغیر داده‌ها نشان می‌دهد ۲۱ متغیر از ۲۲ متغیر مستقل (به جز ارتباط با خارج از کشور) با هویت قومی رابطه معناداری دارند. همچنین رابطه هویت قومی و هویت ملی با جهت‌گیری نه‌چندان مثبت به مقدار R برابر ۰/۵۸۶ مورد تأیید قرار گرفته است. در تحلیل دو متغیره، سه متغیر که مقدار آماره آنها بیشتر از همه بود، به ترتیب عبارت بودند از: رضایت از نظام سیاسی، احساس محرومیت نسبی در بُعد سیاسی و احساس محرومیت نسبی در بُعد اقتصادی. نتایج حاصل از تحلیل چندمتغیره داده‌ها که با استفاده از رگرسیون چندمتغیره گام به گام انجام گرفته است، نشان می‌دهد ۹ متغیر وارد معادله رگرسیونی شدند که در نهایت توانسته‌اند ۵۸ درصد از واریانس متغیر وابسته (هویت قومی) را تبیین کنند. متغیر احساس محرومیت نسبی در بُعد سیاسی با مقدار R^2 برابر با ۰/۳۲ بیشترین اثر تعاملی را در بین سایر متغیرها بر هویت قومی داشته است.

واژه‌های کلیدی: خوزستان، قومیت، قوم عرب، هویت، هویت قومی، هویت ملی.

۱. مقاله حاضر از طرح پژوهشی آسیب‌شناسی مسائل قومی در ایران: بررسی موردی آسیب‌شناسی قومی در خوزستان برگرفته شده است.

2. dr.navah@yahoo.com

3. gheisari2009@gmail.com

4. s.m.taghaviniasab@gmail.com

مقدمه و طرح مسئله

مقاله حاضر برگرفته از تحقیقی با همین عنوان است.^۱ این مقاله هویت قومی را در دو بخش مورد بررسی قرار داده است: نخست، در نظر گرفتن عوامل مؤثر بر هویت قومی و سپس بررسی پیامدهای آن. در قسمت نخست به بررسی عوامل مؤثر بر هویت قومی در میان بخشی از جمعیت عرب شهرستان اهواز، و در قسمت دوم به پیامدهای آن در میان قوم مذکور در سه بُعد هویت ملی، گرایش به واگرایی و گرایش به خشونت پرداخته شده است.

وقوع برخی ناآرامی‌های اجتماعی در سال‌های اخیر، این مسئله را تداعی می‌کند که ممکن است عامل این نوع ناآرامی‌ها در کنار سایر عوامل از وجود نوعی تفاوت و تعارض میان هویت قومی^۲ با هویت ملی^۳ منشأگرفته است. از این رو در این پژوهش چنین فرض شده که بروز و تکرار ناآرامی‌ها در محیط اجتماعی متنوعی همچون خوزستان، از شدت یابی هویت قومی ناشی می‌شود که در جای خود دارای پیامدهایی است؛ به نحوی که می‌توان چنین پدیده‌ای را «مسئله‌ای اجتماعی»^۴ دانست. این پیامدها تاکنون به اشکال مختلفی بروز کرده که در برخی موارد همراه با خشونت بوده است.

با وجود بُعد سیاسی مسئله باید گفت در خوزستان مسئله قومیت‌ها رنگ و لعاب اجتماعی نیز دارد. به عنوان نمونه در یک تحقیق میدانی پس از پایان جنگ تحمیلی در مناطق جنگ‌زده، به مشکلات اجتماعی ساکنان این مناطق اشاره شده است (قیصری، ۱۳۸۱).

مسئله دیگر اینکه، مشکلات ساختاری استان خوزستان که از دوران گذشته و ناشی از اصلاحات ارضی و صنعتی شدن سریع این استان، قبل از انقلاب اسلامی به ارث رسیده، به‌رغم گذشت زمان هنوز پابرجاست. همچنین بروز جنگ تحمیلی و پیامدهای آن از جمله بر هم خوردن نظم اجتماعی و زیستی، تشدید حاشیه‌نشینی نسبتاً گسترده^۵، تغییر بافت جمعیتی و

۱. در این پژوهش نگارندگان از حمایت مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام برخوردار بوده و بدین وسیله از مسئولان این مرکز و به‌ویژه دکتر سید رضا صالحی امیری، معاون پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی سپاسگزاری می‌شود.

2. Ethnic Identity.

3. National Identity

4. Social Problems

۵. شهرستان اهواز بر اساس آمارگیری سال ۱۳۴۵، معادل ۳۲۲ هزار و ۲۴۷ نفر و طبق آمارگیری سال ۱۳۵۵، حدود ۴۶۸ هزار و ۴۹۶ نفر جمعیت داشته است. این میزان در سال ۱۳۶۵ به ۹۷۰ هزار و ۸۱۱ نفر و در سال ۱۳۷۰ به ۴۲۱ هزار و ۳۷۲ نفر افزایش یافته است. جمعیت این شهرستان و مناطق حاشیه‌ای آن در سال ۱۳۸۱ به حدود ۱/۵ میلیون نفر رسیده است. رشد جمعیت اهواز بین سال‌های ۵۵-۱۳۴۵ حدود ۴/۴ درصد و در سال‌های ۶۵-۱۳۵۵ حدود ۵/۶ درصد بوده که بیانگر درصد بالای زاد و ولد و نیز موج عظیم مهاجرت از روستاها و سایر شهرهای استان به سوی اهواز است. درحالی‌که





رشد بدقواره و خارج از هنجار برخی از شهرهای این استان، از جمله مرکز آن اهواز، را به همراه داشته است. این در حالی است که دیگر معضلات اجتماعی همچون بیکاری، کمبود درآمد، جوان بودن جمعیت و غیره نیز وجود دارد؛ لذا با توجه به این مشکلات، دربارهٔ هویت قومی در میان جمعیت مورد مطالعه باید گفت که امکان شدت‌یابی و بروز آن در ناآرامی‌ها وجود داشته و چنانچه این مشکلات باقی بماند، ممکن است در آینده نیز به نحوی بروز کند.

بیان این نکته لازم است که ایدئولوژی‌های حرکت‌های قومی در ایران غالباً رنگ و لعاب مارکسیستی داشته و با توجه به ادعاهایی چون «آزادی خلق»، «طبقهٔ رنجکش»، «طبقهٔ سرمایه‌دار» و غیره، خشونت‌گرایی به عنوان بخش عمده‌ای از حرکت در جهت تحقق خواست‌های مطرح‌شده، ترویج شده است. اصولاً ایدئولوژی مارکسیستی در طول تاریخ نشان داده که رابطهٔ مستقیمی با حرکت‌های خشونت‌آمیز داشته است؛ بنابراین گرایش به خشونت از این دریچه نیز قابل طرح است.

از طرف دیگر باید به این مسئله توجه داشت که استان خوزستان دارای ویژگی‌های متعددی است که برخی از آنها در کشورمان منحصربه‌فرد است. این استان دارای بخش اعظمی از منابع نفت و گاز ایران و صنایع وابسته به آن چون پتروشیمی است. وجود مجتمع‌های بزرگ صنعتی، نقش استان در تولید نیروی برق کشور با توجه به رودخانه‌های پُرآب آن، خاک مناسب و آب کافی برای کشاورزی، از جمله این ظرفیت‌هاست. با این همه، استان خوزستان از موقعیت استراتژیک نیز برخوردار است. نفت خوزستان و همجواری این استان با خلیج فارس به عنوان یکی از نقاط استراتژیکی جهان، از جمله مؤلفه‌هایی است که آن را به عنوان یک استان

میزان تراکم سکونت ناحیه‌ای در کشور برابر ۱/۲۹ است، این میزان در برخی مناطق حاشیه‌ای اهواز به ۲/۷ می‌رسد. برآورد می‌شود که حدود ۴۳ درصد جمعیت این مناطق را دانش‌آموزان تشکیل می‌دهند. همچنین میزان بیکاری در این مناطق در مقایسه با جمعیت فعال، به حدود ۲۸ درصد می‌رسد (مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۵: ۴، ۱۱، ۱۲)

۱. بحث در مورد ایدئولوژی‌های مارکسیستی و شعارهای گوناگونی که در حمایت از خلق داده‌اند، در این مقاله اندک نمی‌گنجد، ولی بر اساس ضرورت و با بهره‌گیری از تاریخ به موارد متعددی برمی‌خوریم که حرکت‌ها و انقلاب‌های مارکسیستی که با شعار حمایت از ضعفا و خلق صورت گرفته‌اند، نه تنها به اهداف خود نرسیده‌اند، بلکه موجب خشونت‌های بسیاری حتی در درون خود نیز شده‌اند. وقایعی چون انقلاب کوبا، انقلاب اکتبر روسیه که مهم‌ترین انقلاب مارکسیستی جهان است که پس از به قدرت رسیدن استالین، میلیون‌ها نفر از مردم شوروی قلع و قمع شدند، فجایع خمرهای سرخ در کامبوج، انقلاب مارکسیستی چین و نابودی مخالفان و امروزه وضعیت کره شمالی و محرومیت مردم این کشور از رسانه‌های غیردولتی همچون روزنامه، رادیو و غیره، همگی از وقایع خشونت‌بار در سطح کلان هستند. در سطح خرد نیز می‌توان به تجمعات تخریبی و خشونت‌آمیز این نحلهٔ فکری در مخالفت با جهانی‌شدن یا آنچه آنها جهانی‌سازی می‌نامند، اشاره کرد.

استراتژیکی ایران، مطرح کرده است. به علاوه مرز نسبتاً طولانی آبی و خاکی و وجود شهرهای بندری، اهمیت ویژه‌ای به این استان بخشیده است؛ بنابراین، از استان‌های مهم و استراتژیک کشور محسوب می‌شود.

وجود بحران‌های منطقه‌ای و حضور نیروهای نظامی خارجی در مجاورت مرزهای این استان و خلیج فارس را نیز باید به مسائل فوق افزود. این در حالی است که تمرکز بر «عرب‌گرایی» که از زمان جمال عبدالناصر رئیس‌جمهور ناسیونالیست مصر در دهه ۶۰ میلادی آغاز شده بود، همچنان ادامه دارد. «کشورهای عربی حوزه خلیج فارس نیز با سرمایه‌گذاری‌های گسترده بر واژه مجعول خلیج عربی اصرار می‌ورزند و در این راه برخی مؤسسات خارجی را نیز با خود همراه ساخته‌اند» (تقوی‌نسب، ۱۳۸۶: ۱۳).

نظر به مسائل فوق و با توجه به مؤلفه‌هایی که در ادامه به آنها اشاره می‌شود، بررسی هویت قومی به عنوان یک مسئله اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن و پیامدهای متنوعی که دارد به طور عام و در خوزستان به طور خاص، به عنوان یک ضرورت طرح می‌شود. در این میان، آنچه از نقطه نظر آسیب‌شناسی هویت اهمیت دارد نه نفس وجود این هویت‌ها بلکه شدت یابی و تعارض آمیز شدن آنهاست. منظور از تشدید هویت قومی، تقویت عناصر هویت‌شناختی و از جمله «احساسات مشترک در زمینه‌هایی مثل تاریخ، سرنوشت، منافع و نمادهای فرهنگی است» که در این شرایط «هویت قومی افراد عضو گروه قومی از سطح فرهنگی خارج، و قومیت تبدیل به امری سیاسی می‌شود» (ونهن، ۱۹۹۹: ۵۷) و (منتی، ۲۰۰۶: ۱۳). با وجود این احساس در میان افراد است که پذیرش هویت ملی به معنی گسستن از پیوندهای فAMILI و یا اجتماعی آنهاست (رادریج، ۲۰۱۰)؛ پیوندهایی که در اینجا از آن به قومیت یاد می‌کنیم. علاوه بر این، در برخی موارد هویت قومی در گرایش‌های اجتماعی افراد نیز مؤثر است و به عنوان عاملی در موفقیت اجتماعی و یا گرایش به خشونت نقش دارد (هلمز، ۲۰۰۸)؛ از این رو گاهی اوقات، هویت قومی مشکلاتی را در سطح خرد به وجود می‌آورد و مناسبات اجتماعی را در برخی مکان‌ها و زمان‌ها دچار اختلال می‌کند. (عبدالهی، ۱۳۸۰؛ شیخ‌خواندی، ۱۳۸۰؛ قیصری، ۱۳۸۱؛ حاجیانی، ۱۳۸۰).



1. Vanhen
2. Manty
3. Rodrigue
4. Holmes



این تحقیق بر مشکلات کلان هویت قومی تمرکز دارد. باین حال به‌طور کلی، باید گفت: ۱. «هویت قومی در صورت تبدیل شدن به قوم‌گرایی افراطی و احساس برتری بر اقوام دیگر، می‌تواند منشأ تعارض قومی و مانع همبستگی و انسجام جمعی در سطح جامعه باشد» (عبداللهی، ۱۳۸۰: ۳۵۴).

۲. تنوع فرهنگی از ویژگی‌های جامعه ایران است، باین حال در برخی موارد میان هویت‌های خُرد و هویت کلان اختلال‌هایی وجود دارد؛ اختلال‌هایی که در برخی مواقع و شرایط تاریخی و متأثر از عوامل داخلی و خارجی زمینه بروز یافته‌اند (حاجیانی، ۱۳۸۰: ۱۲۰).

۳. قومیت - همان‌گونه که تعریف شد - عمدتاً ناظر بر برخی ویژگی‌های فرهنگی است که برخی از آنها عبارتند از: زبان، آداب و رسوم، ارزش‌ها و هنجارها و غیره. حال مسئله این است که برجستگی و یا تفاخر به هریک از این ویژگی‌ها می‌تواند به نادیده انگاشتن ویژگی‌های مشترک میان دیگران یا عناصر شکل‌دهنده «مای» جمعی بینجامد.

۴. تشدید هویت قومی در شرایطی می‌تواند در توزیع عادلانه فرصت‌ها و امکانات در جامعه، اختلال ایجاد کند. همچنین هویت قومی در میان افرادی که در محیط غیر زندگی خود سکونت دارند، از طریق تجمیع و شبکه‌ای شدن، تشدید شده و وضعیتی ایجاد می‌شود که می‌تواند به تبعیض در تخصیص امکانات و امتیازات به نفع اعضای گروه خود بیانجامد.

مروری بر پیشینه تحقیق

قیم در مطالعه‌ای اسنادی قوم عرب را مورد کنکاش قرار داده و هم به مسائل خُردی چون مسائل فرهنگی قوم عرب و هم به مسائل کلانی چون دو بحران شیخ خزعل و غائله خلق عرب پس از انقلاب اشاره کرده و نتیجه گرفته که مسئله شیخ خزعل با منافع ملی ایران تضاد داشته است (قیم، ۱۳۸۰). در پژوهشی دیگر که مدت زمان کوتاهی پس از پایان جنگ تحمیلی عمدتاً در آبادان و خرمشهر صورت گرفته، ضمن برشمردن مشکلات متعدد ساکنان آن و ریشه‌یابی آنها، به معضلات اجتماعی به عنوان مهم‌ترین مسئله ساکنان اشاره شده است (قیصری، ۱۳۸۰). در طرح‌های ملی، وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی با تحقیقات طولی طی دو پیمایش، به این نتیجه رسیده که قومیت متغیری مهم و تأثیرگذار بر حوزه گرایش‌ها و باورها نیست (طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۳). عالمی‌نسی، طی پژوهشی و با استفاده از مدل پیش‌بینی کامپیوتری به این نتیجه رسیده که مؤلفه‌های جهانی شدن در نهایت منجر به افزایش



هویت قومی می‌شود. به نظر وی، آزادی مدنی ارتباطی با تشدید هویت قومی ندارد (عالمی نیسی، ۱۳۸۳). نبوی طی پژوهشی تاریخی به بررسی جریان‌های همراه و همسو با هویت ملی و جریان‌های غیرهمسو و مخالف با هویت ملی پرداخته است. به نظر نبوی، قوم عرب در جریان ملی‌شدن صنعت نفت ایران و جنگ تحمیلی همراه و همسو با هویت ملی ایران بوده، اما در دو غائله شیخ خزعل و پدیده خلق عربی، با هویت ایرانی همسو نبوده است (نبوی، ۱۳۸۳). نواح طی پژوهشی ابراز می‌دارد، احساس محرومیت نسبی به‌ویژه در بُعد اقتصادی، با هویت قومی در ارتباط است (نواح، ۱۳۸۳). محمد هیودی در تحقیقی توصیفی و تحلیلی، عقیده دارد که عرب‌ها در انتخابات سطح استان مثلاً انتخابات شوراها، مشارکت بیشتری دارند (محمد هیودی، ۱۳۸۵). تقوی‌نسب طی پیمایشی عقیده دارد که مهم‌ترین عامل مؤثر بر هویت قومی عرب‌ها متغیر فرهنگی «پایبندی به هنجارهای قومی» است (تقوی‌نسب، ۱۳۸۶).

مبانی نظری

بسیاری از صاحب‌نظران و محققان علوم اجتماعی به قومیت‌ها به عنوان یک خرده‌فرهنگ یا یک خرده‌فرهنگ اجتماعی می‌نگرند. این در حالی است که قومیت مفهومی فراتر از خرده‌فرهنگ در خود دارد. اگر گفته شود که «فرهنگ معطوف است به هر آنچه به صورت غیر ژنتیکی منتقل می‌شود و رفتار فرهنگی به صورت ژنتیکی منتقل نمی‌شود، بلکه ایجاد و انتقال آن بر عهده جامعه است» (گل محمدی، ۱۳۸۳: ۱۲۳) و «فرهنگ آن بخش‌هایی از محیط است که ساخته انسان است و شامل دست‌ساخته‌ها (جنبه‌های عینی) و نیز باورها، ارزش‌ها و هنجارها (جنبه ذهنی) در گروه مشترک است» (ال عیسی، ۱۹۹۷: ۳). بر مبنای این تعریف، قومیت که می‌تواند ویژگی ژنتیکی هم داشته باشد، مفهومی فراتر از فرهنگ دارد و نمی‌توان به آن به عنوان یک خرده‌فرهنگ نگریست؛ بنابراین، نظر به اینکه اقوام ساخته انسان‌ها نیستند و غالباً تاریخی و طبیعی هستند، خرده‌فرهنگ - به‌ویژه خرده‌فرهنگ اجتماعی - محسوب نمی‌شوند.

امروزه دانشمندان علوم اجتماعی برای پرهیز از مقوله‌بندی گروه‌های یک جامعه بر اساس ویژگی‌های ژنتیکی و بیولوژیک، از مفهوم گروه قومی و مفاهیم دیگری همچون هویت قومی که بر مبنای این مفهوم ساخته می‌شود و اساساً ماهیتی فرهنگی دارد، استفاده می‌کنند. اما آنچه



در جوامع امروزی اهمیت دارد، این است که افراد هویت خودشان را چگونه تعریف و ابراز می‌کنند؛ بنابراین، منظور از هویت هرگونه مقوله‌ای اجتماعی است که مضمونی از عضویت را برای افراد در خود داشته باشد (چاندر، ۲۰۰۶: ۴۰۰).

به طور معمول در جوامعی که از نظر فرهنگی متنوع هستند، مردم لایه‌های متعددی از هویت دارند که بسته به نوع رابطه و تعاملی که با دیگران دارند و بر حسب شرایط متعدد، هویت خود را بیان می‌کنند (تسویی-آچ، ۲۰۰۵: ۱۱۹۱).

(۲۰۰۵: ۱۱۹۱). چاندر معتقد است باید هویت قومی را زیرمجموعه‌ای از مقولات هویت در نظر گرفت که افراد را یا برای عضویت آماده می‌سازد و یا نشانه‌ای از عضویت‌های فرد می‌شود. این مقولات عمدتاً به تبار ارجاع داده می‌شوند. مواردی همانند رنگ پوست و چشم، قد و غیره، ویژگی‌های ژنتیکی هستند و برخی همچون نام، زبان، مکان تولد، منشأ والدین و نیاکان از طریق میراث فرهنگی و تاریخی در طول حیات فرد کسب می‌شوند (چاندر، ۲۰۰۶: ۴۰۰).

اگر با نگاه سیستمی به جامعه نگریسته شود و جامعه به عنوان یک نظام و سیستم منظم در نظر گرفته شود، آنگاه مجموعه فرهنگ‌های محلی و منطقه‌ای شکل‌دهنده آن را می‌توان به عنوان زیرسیستم^۳ یا خُرده‌سیستم در نظر گرفت. ضمن اینکه این سیستم دارای یک سیستم مرکزی است که مجموعه حکومت و حاکمیت را شامل می‌شود. انسجام نهایی جامعه، در درجه نخست محصول ارتباط منظم میان این خُرده‌سیستم‌ها و در درجه بعدی ارتباط آنها با سیستم مرکزی است. با توجه به اینکه «شکل، محتوا، میزان و شدت تعاملات درون‌گروهی و برون‌گروهی خود به طور هم‌زمان منشأ اختلال و نظم هستند» (چلبی، ۱۳۸۲: ۲۶)، همچنین این مسئله که جامعه از چند خُرده‌سیستم و یک سیستم مرکزی که حاکمیت و حکومت نام دارد، شکل می‌یابد و بین هریک از این خُرده‌سیستم‌ها و سیستم مرکزی روابطی برقرار است؛ پس می‌توان گفت آنچه مهم است، جنس این رابطه و محتوای مورد مبادله میان این سیستم‌هاست. در این پژوهش این رابطه از طریق مفهوم هویت قومی و نسبتی که با هویت ملی دارد تبیین می‌شود.

1. Chandra
2. Tsui-Auch
3. Sub System



به‌طور کلی نظریه‌های منازعات قومی به دو دسته دیرین‌گرا^۱ و ابزارانگار^۲ تقسیم می‌شوند. از نظر دیرینه‌گرایان، پیوندها و بستگی‌های قومی که نوعاً فیزیکی یا روانشناختی‌اند، پدیده‌های غیرقابل تغییری هستند و در شکل‌گیری احساس تعلق و هویت درون‌گروهی و همبستگی میان اعضای یک گروه قومی نقش اول را دارند. از این دیدگاه تمایزات قومی که نوعاً با هویت و همبستگی گروهی پیوند خورده، ثابت بوده و اغلب موجب چالش و منازعه در درون جامعه می‌شوند؛ بنابراین منازعه قومی تابعی از شدت و ضعف هویت قومی و عوامل و شرایط بروز و ظهور آن است. از نظر ابزارگرایان منازعات قومی نتیجه سیاسی شدن تمایزات کهن قومی نیست و وجود این تمایزات ضرورتاً به منازعه نمی‌انجامد، بلکه منازعه قومی نتیجه بسیج گروه قومی برای دستیابی به منابع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است؛ پدیده‌ای که با توسعه‌یافتگی اقتصادی و سیاسی و رقابت‌هایی که لازمه چنین وضعیت‌هایی است، در پیوند است؛ بنابراین قومیت به مثابه ابزاری است که افراد یا گروه‌ها برای پیگیری اهداف و منافع خود از آن سود می‌برند. در چنین شرایطی بهره‌گیری از تمایزات قومی در رقابت‌های سیاسی و اقتصادی، به عامل منازعه در اجتماعی منجر می‌شود که دارای تنوع قومی است (موسو، ۲۰۰۱: ۵۴۸-۵۴۹). در این تحقیق با الهام از نظریه‌های ابزارگرایان سه نظریه در مورد منازعه قومی با هم تلفیق شده و به عنوان مبانی نظری تحقیق برگزیده شده، گرچه وزن تحلیلی این سه نظریه یکسان نیست. خلاصه این نظریات به شرح زیر است:

۱. **نظریه نوسازی:** طبق این نظریه افزایش عناصر مدرنیته، سبب کاهش منازعات قومی می‌شود، بنابراین «وقتی شاخص‌های مدرنیته در کشوری رشد داشته باشد، تحولات خشونت‌آمیز کمتر شده و انسان آگاهانه هویت خود را در عناصری ورای قوم، قبیله و شهر خود جستجو می‌کند» (تقوی‌نسب، ۱۳۸۶: ۸۹). به‌طور کلی، افزایش برخی شاخص‌های سبک زندگی و شیوه زیست مدرن، کاهش منازعات قومی را در پی خواهد داشت. از این نظریه، متغیرهای درآمد، امیدواری نسبت به آینده ایران، اعتقاد به شیوخ، تحصیلات، رضایت از رسانه ملی، استفاده از رسانه‌های خارجی، رضایت از نظام سیاسی، مشارکت در امور سیاسی و نگرش نسبت به ماهواره، به صورت مستقیم و غیرمستقیم انتخاب شده‌اند.

1. Primordialis
2. Instrumentalism
3. Mousseau



۲. نظریه محرومیت نسبی^۱: این نظریه عامل بروز منازعات قومی را رفتار تبعیض آمیز یک گروه قومی با گروه قومی دیگر می‌داند. شارح این نظریه تد رابرت گار^۲ است. به عقیده وی، هویت قومی زمانی اهمیت پیدا می‌کند که با افراد یک گروه قومی در مقایسه با گروه‌های دیگر، رفتاری تبعیض آمیز صورت گیرد؛ یعنی یک گروه قومی، به دلیل قومیت در معرض سرکوب، آزار یا محرومیت از برخی حقوق و مزایا قرار بگیرد (قاسمی، ۱۳۸۱: ۱۲۶). به نظر گار، «وسعت محرومیت‌های جمعی، گروه فرهنگی در مقایسه با دیگران، عامل اصلی ناراضی‌تی و اقدام مشترک است. محرومیت به معنی نابرابری در رفاه مادی یا سایر دستیابی‌ها در مقایسه با دیگر گروه‌های اجتماعی است» (گار، ۱۳۷۸: ۲۱۶). این نظریه برخی از متغیرهای این تحقیق را مورد پوشش قرار می‌دهد.

۳. نظریه استعمار داخلی: این نظریه که بیشتر توسط مایکل هکتربه طور مبسوط شرح داده شده، تأکید دارد که همبستگی قومی ممکن است در یک نظام سیاسی ملی در نتیجه وخیم شدن نابرابری‌های منطقه‌ای بین یک هسته متمایز فرهنگی و پیرامون آن تقویت شود (احمدی، ۱۹۹۵: ۱۸۲-۸۳).

سه گزاره این نظریه عبارتند از: (۱) هرچه نابرابری اقتصادی بین جماعت‌ها بیشتر باشد، احتمال همبستگی بیشتری بین جماعت کمتر پیشرفته وجود دارد؛ (۲) چنانچه میزان ارتباطات داخلی جماعت‌ها بیشتر باشد، همبستگی جماعت حاشیه‌نشین بیشتر می‌شود و (۳) هرچه تفاوت‌های فرهنگی بیشتر باشد، احتمال آنکه جماعت پیرامونی متمایز از لحاظ فرهنگی، همبستگی بیشتری داشته باشد، افزایش خواهد یافت (رنجبر، ۱۳۸۴: ۱۵۷). این نظریه برای تبیین هویت قومی در جامعه آماری مذکور قدرت تبیین دارد. مهم‌ترین مفهوم در این نظریه، «اقتصاد» است. متغیرهای اقتصادی از این نظریه برداشت شده‌اند.

فرضیات تحقیق

لازم به ذکر است در این پژوهش به علت چندبعدی بودن مقوله هویت و تشدید هویت قومی برای پوشش نسبتاً جامع این ابعاد، فرضیه‌های متعددی آزمون می‌شود. منطبق با ماهیت این‌گونه پژوهش‌ها، ادغام همه فرضیه‌ها در قالب یک یا دو فرضیه کلی امکان‌پذیر نیست. به

1. Relative Deprivation.
2. Ted Robert Gurr.

همین دلیل فرضیه‌ها به اصلی و فرعی تقسیم شده‌اند.

الف - فرضیه‌های فرعی تحقیق

۱. بین سن و هویت قومی ارتباط معناداری وجود دارد؛
۲. بین جنس و هویت قومی ارتباط معناداری وجود دارد؛
۳. بین وضعیت تأهل و هویت قومی ارتباط معناداری وجود دارد؛
۴. بین درآمد و هویت قومی ارتباط معناداری وجود دارد؛
۵. بین محرومیت نسبی اقتصادی استان و هویت قومی ارتباط معناداری وجود دارد؛
۶. بین احساس محرومیت نسبی اقتصادی فرد و هویت قومی ارتباط معناداری وجود دارد؛
۷. بین نگرش نسبت به معیشت قوم عرب و هویت قومی ارتباط معناداری وجود دارد؛
۸. بین نگرش نسبت به عمومیت بیکاری در عرب‌ها و هویت قومی ارتباط معناداری وجود دارد؛
۹. بین امیدواری نسبت به آینده ایران و هویت قومی ارتباط معناداری وجود دارد؛
۱۰. بین نگرش مثبت نسبت به اقوام در خوزستان و هویت قومی ارتباط معناداری وجود دارد؛
۱۱. بین اعتقاد به شیوخ و هویت قومی ارتباط معناداری وجود دارد؛
۱۲. بین اعتقاد به نخبگان قوم عرب و هویت قومی ارتباط معناداری وجود دارد؛
۱۳. بین ارتباط با خارج از کشور و هویت قومی ارتباط معناداری وجود دارد؛
۱۴. بین تحصیلات و هویت قومی ارتباط معناداری وجود دارد؛
۱۵. بین رضایت از رسانه ملی و هویت قومی ارتباط معناداری وجود دارد؛
۱۶. بین استفاده از رسانه‌های سیاسی خارجی و هویت قومی ارتباط معناداری وجود دارد؛
۱۷. بین استفاده از برنامه‌های غیرسیاسی ماهواره و هویت قومی ارتباط معناداری وجود دارد؛
۱۸. بین رضایت از نظام سیاسی و هویت قومی ارتباط معناداری وجود دارد؛
۱۹. بین مشارکت در امور سیاسی و هویت قومی ارتباط معناداری وجود دارد؛
۲۰. بین احساس تبعیض در دسترسی به مشاغل و هویت قومی ارتباط معناداری وجود دارد؛
۲۱. بین نگرش نسبت به ممنوعیت ماهواره و هویت قومی ارتباط معناداری وجود دارد؛
۲۲. بین احساس محرومیت نسبی در بُعد سیاسی و هویت قومی ارتباط معناداری وجود دارد.

ب - فرضیات اصلی تحقیق

۲۳. بین هویت قومی و هویت ملی ارتباط معناداری وجود دارد؛
۲۴. بین هویت قومی و گرایش به خودمختاری ارتباط معناداری وجود دارد؛
۲۵. بین هویت قومی و گرایش به خشونت ارتباط معناداری وجود دارد.



روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق، پیمایش بوده است، «هرگاه جامعه مورد نظر از وسعت زیادی برخوردار باشد و دسترسی به تک تک افراد امکان‌پذیر نباشد و یا اصولاً لزومی هم نداشته باشد، مناسب‌ترین تکنیک، به کارگیری پیمایش^۱ است» (لهسایی‌زاده، ۱۳۸۵: ۴۶). روش پیمایشی در رویکرد کمی، روش تحقیق قرار می‌گیرد.

در این تحقیق، کلیه افراد ۱۸ سال تا ۶۵ سال عرب شهرستان اهواز، اعم از زن و مرد جامعه آماری هستند. توجیه گروه سنی در این تحقیق با توجه به ماهیت تحقیق است. با توجه به نبود آمار رسمی در مورد جمعیت عرب شهرستان اهواز، این رقم تقریبی برآورد شده است (تقوی‌نسب، ۱۳۸۶: ۱۰۰). جامعه آماری این تحقیق ۴۴۲۷۳۹ نفر بوده است.

با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شده‌اند. شیوه نمونه‌گیری در این تحقیق، خوشه‌ای چندمرحله‌ای^۲ بوده است. خوشه‌ها نیز منطقه‌های شهر اهواز بوده‌اند. این نمونه‌گیری، یکی از انواع نمونه‌گیری‌های تصادفی است. «هنگامی که دستیابی کامل به اعضای یک جمعیت مشکل باشد، از نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده می‌شود. در اینجا محقق به جای لیستی از افراد مورد نظر، فهرستی از خوشه‌ها را تهیه کرده و سپس از میان این خوشه‌ها نمونه‌گیری می‌کند. بعد از انتخاب خوشه‌ها، تمام افراد هر خوشه وارد نمونه می‌شوند. در نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای از میان خوشه‌های بزرگ خوشه‌های کوچک‌تر را انتخاب می‌کنیم و همین روند را ادامه می‌دهیم تا به جمعیت نمونه مورد نظر خود برسیم» (کازبی^۳، ۲۰۰۳: ۱۰۹).

بر این اساس و با توجه به نقشه شهرستان اهواز در وهله اول، از بین هشت منطقه، مناطقی به شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. سپس از میان محله‌های هریک از این مناطق، چهار محله به طور تصادفی گزینش شدند. این چهار محله عبارت بودند از (۱) آخر آسفالت، (۲) پاداد شهر، (۳) کوی علوی (شلنگ‌آباد) و (۴) سراه خرمشهر. در نهایت جمعیت نمونه مورد نظر از میان مردان و زنان ۱۸ تا ۶۵ ساله خانوارهای این چهار بلوک انتخاب شدند.

اعتبار^۴ و روایی^۵ یکی از ارکان مهم تحقیق‌های پیمایشی است. برای تعیین اعتبار و روایی در این پژوهش، به دو صورت عمل شده است. برای این منظور یک پیش‌آزمون در میان ۵۰



1. Survey
2. Multistage Cluster Sampling
3. Cozby
4. Validity
5. Reliability

نفر از جامعه آماری تکمیل شده است. علاوه بر این، در زمینه اعتبار آزمون از اعتبار صوری استفاده شده است. «منظور از اعتبار صوری، شناسایی اعتبار شاخص‌ها یا معرف‌های پژوهش از طریق مراجعه به داوران است. وفاق آنان در مورد بررسی شاخص‌ها، دلیلی بر اعتبار آنان است. عدم اتفاق نظر در مورد هر شاخص به معنای عدم اعتبار صوری آن است» (ساروخانی، ۱۳۸۰: ۱۳۹).

روایی که اشاره به تکرار نتایج مشابه در تکرار اعمال قبلی دارد (طالقانی، ۱۳۸۰: ۵۸)، در این تحقیق با توجه به پیش‌آزمون انجام شده و ضریب آلفای کرونباخ بوده است. ضریب آلفای کرونباخ در مورد متغیرهای اصلی تحقیق به شرح زیر بوده است: (۱) هویت قومی (۰/۷۳)، (۲) هویت ملی (۰/۶۱)، (۳) گرایش به خودمختاری (۰/۵۹) و (۴) گرایش به خشونت (۰/۶۶). ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق پرسشنامه بوده که در ۷۶ سؤال در قالب سؤال‌های باز و بسته به پاسخگویان داده شده است. ضمناً در تکمیل پرسشنامه‌ها نهایت تلاش به عمل آمده تا پاسخگویان بتوانند با توجه به موضوع با صداقت نظرهای خود را بیان کنند.



یافته‌های تحقیق

الف - یافته‌های توصیفی

در ابتدا باید نگاهی به یافته‌های توصیفی درباره متغیر مهم این تحقیق «هویت قومی» داشته باشیم که در فرضیات فرعی این تحقیق، متغیر وابسته و در فرضیات اصلی، به عنوان متغیر مستقل مدنظر قرار گرفته است. جدول شماره ۱، بیانگر آماره‌های توصیفی مربوط به متغیر هویت قومی است. با توجه به اینکه متغیر مذکور به وسیله هفت گویه در طیف لیکرت عملیاتی شده، حداکثر نمره هر پاسخگو ۳۵ و حداقل آن ۷ است. با توجه به میانگین به دست آمده ۲۷/۴۱ و مقایسه آن با میانگین فرضی که ۲۱ است، باید گفت هویت قومی در میان پاسخگویان وجود دارد. نیمی از پاسخگویان بیشتر از ۲۹ و نیمی دیگر کمتر از ۲۹ نمره گرفته‌اند. نمره ۳۱ بیشترین تکرار را داشته که هر دو شاخص میانه و مد، نشان‌دهنده هویت قومی بالا در نمونه آماری است. آماره پراکندگی انحراف معیار نشان می‌دهد پاسخگویان به این هفت گویه به شیوه‌های گوناگونی پاسخ داده‌اند. حداقل نمره به دست آمده برای هویت قومی در این تحقیق ۹ و حداکثر آن ۳۵ بوده است.

جدول ۱. آماره‌های توصیفی مربوط به متغیر هویت قومی

نام متغیر	میانگین	میانه	مد	انحراف استاندارد	واریانس	حداقل	حداکثر
هویت قومی	۲۷/۴۱	۲۹	۳۱	۵/۸۴	۳۴/۱۶	۹	۳۵

جدول شماره ۲، توزیع فراوانی درصد پاسخگویان را بر حسب هویت قومی نشان می‌دهد. با توجه به این جدول مشاهده می‌شود که گویه «بهتر است هر قومی از جمله عرب‌ها سنت خود را حفظ کند» با ۸۱/۵ درصد کاملاً موافق و موافق، بیشترین گرایش به هویت قومی در میان عرب‌ها را نشان می‌دهد. گویه «وجود و هستی من با قوم عرب آمیخته شده است» با ۷۶ درصد کاملاً موافق و موافق دومین گویه‌ای است که نشانگر هویت قومی عرب‌هاست. در میان این ۷ گویه، گویه «اگر ببینم عربی در جایی دچار مشکل شده است، فوراً به کمک او می‌روم» کمترین گرایش عرب‌ها به هویت قومی را نشان می‌دهد.



جدول ۲. توزیع فراوانی درصد پاسخگویان بر حسب هویت قومی

گویه	کاملاً موافق یا خیلی زیاد	موافق یا زیاد	نظری ندارم یا متوسط	مخالف یا کم	کاملاً مخالف یا خیلی کم	جمع کل
بهتر است هر قومی از جمله عرب‌ها سنت خود را حفظ کند	۶۹/۳	۱۲/۲	۳/۶	۱۰/۴	۴/۴	۹۹/۹
مشکلات عرب‌ها به من ربطی ندارد	۸/۹	۱۴/۳	۴/۲	۲۰/۸	۵۱/۸	۱۰۰
اگر ببینم عربی در جایی دچار مشکل شده، فوراً به کمک او می‌روم	۳۷/۸	۲۱/۴	۴/۴	۲۵	۱۱/۵	۱۰۰/۱
من علاقه‌ای به مطالعه تاریخ اعراب، قوم و عشیره‌ام ندارم	۵/۷	۱۲	۷/۳	۲۷/۳	۴۷/۷	۱۰۰
من گاهی عرب بودن خود را مخفی نگه داشته‌ام	۱۸/۲	۷/۳	۱۰/۹	۲۰/۳	۴۳/۲	۹۹/۹
ایجاد مراکز فرهنگی - هنری که در آنجا شعر و موسیقی عربی آموزش داده می‌شود، چندان لازم نیست	۶/۵	۱۲/۵	۱۰/۷	۲۵/۵	۴۴/۸	۱۰۰
وجود و هستی من با قوم عرب آمیخته شده است	۵۹/۹	۱۶/۱	۸/۹	۱۱/۲	۳/۹	۱۰۰
جمع کل	۲۰۶/۳	۹۵/۸	۵۰	۱۴۰/۵	۲۰۷/۳	

ب - تحلیل دومتغیره

جدول ۳. تفاوت میانگین جنس و وضعیت تأهل بر حسب هویت قومی

جنس	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	df	مقدار T	سطح معناداری
مرد	۲۴۹	۲۶/۰۲	۵/۸۴	۳۸۲	-۷/۰۴	۰/۰۰۰
زن	۱۳۵	۲۹/۹۸	۴/۹۲			
۳. وضعیت تأهل	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	df	مقدار T	سطح معناداری
مجرد	۱۰۵	۲۹/۶۴	۵/۱	۳۸۲	۵/۰۳	۰/۰۰۰
متأهل	۲۷۹	۲۶/۵۷	۵/۸			

برای بررسی فرضیه‌های دوم و سوم، یعنی ارتباط جنس و وضعیت تأهل با هویت قومی از آزمون تفاوت میانگین Ttest استفاده شده که نتایج آن در جدول شماره ۳ آمده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، هم جنس و هم وضعیت تأهل با هویت قومی در ارتباط بوده است؛ به عبارت دیگر بین جنس مرد و زن در هویت قومی تفاوت معناداری مشاهده می‌شود. همچنین بین وضعیت تأهل یعنی مجرد و تأهل در هویت قومی نیز تفاوت معناداری مشاهده می‌شود. با استفاده از آماره میانگین در جدول مذکور مشاهده می‌شود که زنان بیشتر از مردان نمره هویت قومی بالاتری کسب کرده‌اند و افراد مجرد بیشتر از افراد متأهل دارای هویت قومی بوده‌اند.

جدول ۴. آزمون رابطه بین متغیرهای مستقل با متغیر وابسته با استفاده از رگرسیون ساده

شماره فرضیه و نام متغیر	R	R ²	adj. R ²	انحراف استاندارد	B	ضریب beta	t	F	سطح معناداری
۱. سن	۰/۱۷۱	۰/۰۲۹	۰/۰۲۷	۵/۷۶	-۰/۱	-۰/۱۷۱	-۳/۳۸	۱۱/۴۴	۰/۰۰۱
۵. م. ن. اق. استان	۰/۴۹۵	۰/۲۴۵	۰/۲۴۳	۵/۰۸	۰/۹۳	۰/۴۹۵	۱۱/۱۲	۱۲۳/۶	۰/۰۰۰
۶-۱. م. ن. اق. فرد	۰/۵۵۶	۰/۳۰۹	۰/۳۰۷	۴/۸۶	۱/۰۳	۰/۵۵۶	۱۳/۰۶	۱۷۰/۶	۰/۰۰۰
۷. ن. معیشت. ع	۰/۵۳۸	۰/۲۸۹	۰/۲۸۷	۴/۹۳	۱/۳	۰/۵۳۸	۱۲/۴۶	۱۵۵/۴	۰/۰۰۰
۸. ن. ع. بیکاری	۰/۵۲۹	۰/۲۸	۰/۲۷۸	۴/۹۶	۱/۲۸	۰/۵۲۹	۱۲/۱۹	۱۴۸/۷	۰/۰۰۰
۹. امیدواری. ن. آ. ا	۰/۴۶۹	۰/۲۲	۰/۲۱۸	۵/۱۷	-۰/۱۷۱	-۰/۴۶۹	-۱۰/۳۶	۱۰۷/۴	۰/۰۰۰
۱۰. ن. م. ن. اقوام. د. خ	۰/۵۲	۰/۲۷۱	۰/۲۶۹	۵/۰۱	-۱/۱۱	-۰/۵۲	-۱۱/۸۴	۱۴۰/۳	۰/۰۰۰





۰/۰۰۰	۲۹/۲۵	۵/۴	۰/۲۶۷	۰/۵	۵/۶۴	۰/۰۶۹	۰/۰۷۱	۰/۲۶۷	۱۱. اعتقاد به شیوخ
۰/۰۰۰	۸۵/۲۹	۹/۲۳	۰/۴۲۷	۱/۰۵	۵/۲۹	۰/۱۸	۰/۱۸۳	۰/۴۲۷	۱۲. اعتقاد. نخب.ع.
۰/۶۸۷	۰/۱۶۲	-۰/۴۰۳	-۰/۰۲۱	-۰/۰۳۹	۵/۸۵	-۰/۰۰۲	۰/۰	۰/۰۲۱	۱۳. ا. با خارج کشور
۰/۰۰۰	۶۸/۴۸	-۸/۲۷	-۰/۳۹	-۰/۷۱	۵/۳۸	۰/۱۵	۰/۱۵۲	۰/۳۹	۱۵. رضایت. رسانه. م
۰/۰۱۲	۶/۴۳	-۲/۵۳	-۰/۱۲۹	-۰/۲۲۹	۵/۸	۰/۰۱۴	۰/۰۱۷	۰/۱۲۹	۱۶. ا. ر. سیاسی. خ
۰/۰۱۱	۶/۴۵	۲/۵۴	۰/۱۲۹	۰/۲۱۱	۵/۸	۰/۰۱۴	۰/۰۱۷	۰/۱۲۹	۱۷. ا. ب. غ. س. ماهواره
۰/۰۰۰	۲۱۳/۲	-۱۴/۶	-۰/۵۹۹	-۱/۲۱۴	۴/۶	۰/۳۵۷	۰/۳۵۸	۰/۵۹۹	۱۸. رضایت نظام. س
۰/۰۰۳	۴/۷۳	-۲/۱۷	-۰/۱۱۱	-۰/۱۸۷	۵/۸۱	۰/۰۱	۰/۰۱۲	۰/۱۱۱	۱۹. مشارکت سیاسی
۰/۰۰۰	۳۷/۴۳	۶/۱۱	۰/۲۹۹	۰/۷	۵/۵۸	۰/۰۸۷	۰/۰۸۹	۰/۲۹۹	۲۰. ا. ت. د. د. مشاغل
۰/۰۰۰	۲۱۱/۲	۱۴/۵۳	۰/۵۹۷	۱/۱۲	۴/۶۹	۰/۳۵۴	۰/۳۵۶	۰/۵۹۷	۲۲. ا. م. ن. سیاسی
۰/۰۰۰	۲۰۰/۲	-۱۴/۱۵	-۰/۵۸۶	-۰/۳۸	۳/۱۱	۰/۳۴۲	۰/۳۴۴	۰/۵۸۶	۲۳. ه قومی. ه ملی
۰/۰۰۰	۸/۵۱	۹/۰۲	۰/۴۱۹	۰/۳۳۱	۲/۹۲	۰/۱۷۴	۰/۱۷۶	۰/۴۱۹	۲۴. ه ق. خودمختاری
۰/۰۰۰	۷۸/۵۴	۸/۸۶	۰/۴۱۳	۰/۲۸۶	۳/۱۶۸	۰/۱۶۸	۰/۱۷۱	۰/۴۱۳	۲۵. ه قومی. خشونت

جدول شماره ۴، آزمون رابطه برای فرضیاتی است که سطح سنجش آنها فاصله‌ای بوده و از آزمون رگرسیون ساده برای تست کردن آن استفاده شده است. در این جدول ستون اول مقدار آماره R است که بیانگر مقدار همبستگی دو متغیر است. دامنه تغییرات این آماره از صفر تا یک است. بدین ترتیب که رقم صفر بیانگر هیچ‌گونه ارتباط و رقم ۱ بیانگر ارتباط کامل بین دو متغیر است که البته در سطح عمل این دو مقدار هرگز به دست نمی‌آید. با این وجود در تحقیقات کمی رقم $۰/۹$ برای همبستگی بین دو متغیر نیز عملاً به دست نمی‌آید و این رقم غیرواقعی و نشانگر خطا در تحقیق است. به‌طور کلی، به نظر نگارندگان، رقم‌های بالاتر از $۰/۸$ نیز واقعی نیست. با این حال، نگارندگان رقم بالای $۰/۵$ را نشانگر همبستگی قوی دو متغیر می‌دانند و مقدار $۰/۱$ نیز همبستگی ضعیف را نشان می‌دهد که تقریباً زیر این مقدار فرضیه ثابت نمی‌شود. مقدار R^2 نشان می‌دهد چه مقدار از واریانس متغیر وابسته توسط متغیر مستقل تبیین و پیش‌بینی شده است. آماره $adj. R^2$ نشان می‌دهد که متغیر مستقل چه مقدار از واریانس متغیر وابسته را در کل جامعه آماری تبیین کرده است. انحراف استاندارد بیانگر مقدار پراکندگی

پاسخ‌ها از میانگین است. آماره B یا ضریب B نشان می‌دهد که با افزایش هر واحد تغییر در متغیر مستقل، متغیر وابسته چه تغییری می‌کند. ضریب beta نشانگر جهت رابطه بین دو متغیر است. اگر منفی بود، جهت دو متغیر معکوس و چنانچه مثبت بود، جهت رابطه بین دو متغیر مستقیم است و با افزایش متغیر مستقل، متغیر وابسته نیز افزایش می‌یابد و بالاخره اینکه سطح معناداری نیز تأیید یا رد فرضیه را نشان می‌دهد. برای روشن شدن بحث، متغیر اول، یعنی سن در اینجا توضیح داده می‌شود.

با توجه سطح معناداری سن و هویت قومی، یعنی ۰/۰۰۱، فرضیه مذکور تأیید می‌شود. نتایج نشان می‌دهد همبستگی سن و هویت قومی (R) ۰/۱۷۱ است که نشان‌دهنده رابطه نسبتاً ضعیف بین دو متغیر است. ضریب beta، نشانگر جهت رابطه بین سن و هویت قومی است که در اینجا منفی است؛ به این معنی که با افزایش سن، هویت قومی کاهش می‌یابد. مقدار R^2 نشان می‌دهد ۰/۰۲۹ از واریانس متغیر هویت قومی توسط متغیر سن پیش‌بینی می‌شود. ضریب B بیانگر این است که با افزایش هر واحد متغیر سن، هویت قومی ۰/۱ کاهش می‌یابد. با توجه به $adj. R^2$ سن، ۰/۰۲۷ از واریانس هویت قومی در کل جامعه آماری را تبیین می‌کند.

با مقایسه ارقام به دست آمده برای آماره F و برای فرضیات فرعی این تحقیق باید گفت چنانچه روابط متغیرها بدون در نظر گرفتن اثرات سایر متغیرها در نظر گرفته شود، مهم‌ترین متغیری که بر هویت قومی تأثیرگذار است، رضایت از نظام سیاسی، احساس محرومیت نسبی در بُعد سیاسی و احساس محرومیت نسبی در بُعد اقتصادی است. با این حال، چون در عرصه عمل تمام متغیرها اثر تعاملی بر متغیر وابسته می‌گذارند، باید به نتایج تحلیل چندمتغیره داده‌ها به عنوان نتیجه اصلی تحقیق نگاه کرد.

با امعان نظر در نتایج حاصل از آزمون دو متغیره فرضیات (جدول‌های ۳، ۴ و ۵)، ۲۴ فرضیه از ۲۵ فرضیه در تحلیل دو متغیره مورد اثبات قرار گرفتند و تنها ارتباط متغیر «ارتباط با خارج از کشور» با هویت قومی مورد تأیید قرار نگرفت. از نتایج دور از انتظار در تحلیل‌های فوق ارتباط منفی متغیر «استفاده از رسانه سیاسی خارجی» با هویت قومی است؛ بدین ترتیب که هرچه این استفاده بیشتر می‌شود، هویت قومی کاهش می‌یابد.



جدول ۵. تحلیل واریانس هویت قومی با متغیرهای درآمد، تحصیلات، نگرش نسبت به ممنوعیت ماهواره)

سطح معناداری	مقدار F	انحراف معیار	میانگین	فراوانی	درآمد
۰/۰۰۰	۱۰/۵۵	۴/۱۹	۳۰/۵۶	۹۰	کمتر از پنجاه هزار تومان
		۲/۴۱	۳۰/۶۴	۲۵	بین پنجاه تا صد هزار تومان
		۵/۳۹	۲۷/۰۹	۵۳	بین صد تا دویست هزار تومان
		۶/۴۸	۲۶/۳۴	۹۷	بین دویست تا سیصد هزار تومان
		۵/۷	۲۵/۰۶	۷۷	بین سیصد تا چهارصد هزار تومان
		۵/۶۳	۲۵	۳۰	بین چهارصد تا پانصد هزار تومان
		۵/۸۶	۲۸/۳۳	۱۲	بالتر از پانصد هزار تومان
سطح معناداری	مقدار F	انحراف معیار	میانگین	فراوانی	تحصیلات
۰/۰۰۰	۳/۸۶	۵/۱۱	۲۹/۲۹	۲۴	بی سواد
		۳/۹۷	۲۹/۴۷	۴۲	ابتدایی
		۴/۱	۲۸/۷۷	۷۵	راهنمایی
		۶/۲۹	۲۶/۷۶	۷۱	مقطع متوسطه
		۶/۹	۲۵/۷۳	۸۰	دیپلم
		۶/۱	۲۵/۵۹	۵۲	فوق دیپلم
		۵/۶	۲۸/۳۹	۳۸	لیسانس
		۱/۴۱	۳۰	۲	فوق لیسانس و بالاتر
سطح معناداری	مقدار F	انحراف معیار	میانگین	فراوانی	نگرش نسبت به ممنوعیت ماهواره
۰/۰۰۰	۳۲/۰۴	۷/۶۱	۲۲/۸۱	۲۷	کاملاً درست است
		۶/۰۲	۲۳/۹۱	۶۸	نسبتاً درست است
		۵	۲۴/۵۷	۴۷	نظری ندارم
		۴/۵۹	۲۶/۸۳	۵۶	نسبتاً نادرست است
		۴/۳۶	۳۰/۲۵	۱۸۶	کاملاً نادرست است

جدول شماره ۵ آزمون تحلیل واریانس سه متغیر درآمد، تحصیلات و نگرش نسبت به ممنوعیت ماهواره را با هویت قومی نشان می‌دهد. همان‌گونه که در جدول مشاهده می‌شود، رابطه این سه متغیر با هویت قومی معنادار است.

ج- آزمون چندمتغیره

چون در عرصه عمل متغیرها با هم و به صورت تعاملی بر متغیر وابسته تأثیر می‌گذارند، لذا نمی‌توان به نتایج حاصل از آزمون دو متغیره داده‌ها استناد کرد. برای این منظور باید تأثیر تمام





متغیرها با هم در نظر گرفته شوند. برای این منظور از آزمون رگرسیون چندمتغیره گام به گام استفاده شده است. نتایج حاصل نشان می‌دهد از ۲۲ متغیر مستقل، ۹ متغیر وارد معادله رگرسیونی شدند که در نهایت توانستند ۵۸ درصد از واریانس متغیر هویت قومی را تبیین کنند. از میان این ۹ متغیر، ۳ متغیر نگرش مثبت نسبت به اقوام در خوزستان، رضایت از نظام سیاسی و رضایت از رسانه ملی سبب کاهش هویت قومی شده و مابقی هویت قومی را افزایش می‌دهند. متغیر احساس محرومیت نسبی در بُعد سیاسی به تنهایی ۳۲ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کند. همچنین متغیر مشارکت در امور سیاسی که در آزمون دومتغیره، رابطه معکوسی با هویت قومی داشت در اینجا رابطه آن مثبت شده است؛ یعنی زمانی که تأثیر تمام متغیرها را با هم در نظر می‌گیریم، مشارکت در امور سیاسی موجب افزایش هویت قومی عرب‌ها می‌شود. از دیگر نتایج آزمون چندمتغیره، تغییر جهت رابطه متغیر «استفاده از رسانه‌های سیاسی خارجی» با هویت قومی بوده است. در حالی که در آزمون دو متغیره، استفاده از رسانه‌های سیاسی خارجی موجب کاهش هویت قومی می‌شد، اما در تحلیل چندمتغیره یا به بیان بهتر تحلیل نهایی، استفاده از رسانه‌های سیاسی خارجی باعث افزایش هویت قومی در میان پاسخگویان شده است.

جدول ۶. عناصر متغیرهای درون معادله برای پیش‌بینی هویت قومی

شماره فرضیه و نام متغیر	R	B	beta	t	سطح معناداری	R ²
۱. احساس محرومیت نسبی در بُعد سیاسی	۰/۵۷	۰/۳۷	۰/۱۹	۳/۶۸	۰/۰۰۰	۰/۳۲
۲. احساس محرومیت نسبی اقتصادی فرد	۰/۶۴	۰/۲۷	۰/۱۴	۲/۷۲	۰/۰۰۰	۰/۴۱
۳. نگرش مثبت نسبت به اقوام در خوزستان	۰/۶۸	-۰/۴۴	-۰/۲۱	-۴/۷۸	۰/۰۰۰	۰/۴۷
۴. اعتقاد به نخبگان قوم عرب	۰/۷۱	۰/۴۹	۰/۱۹	۴/۴۲	۰/۰۰۰	۰/۵۱
۵. رضایت از نظام سیاسی	۰/۷۳	-۰/۴۵	-۰/۲۱	-۴/۲۱	۰/۰۰۰	۰/۵۴
۶. مشارکت در امور سیاسی	۰/۷۴	۰/۲۳	۰/۱۲	۲/۹۹	۰/۰۱۷	۰/۵۵
۷. رضایت از رسانه ملی	۰/۷۵	-۰/۱۶	-۰/۰۹۲	-۲/۰۹	۰/۰۱۵	۰/۵۶
۸. استفاده از رسانه‌های سیاسی خارجی	۰/۷۵	۰/۱۸	۰/۱۰۲	۲/۴۷	۰/۰۳۴	۰/۵۷
۹. احساس محرومیت نسبی اقتصادی استان	۰/۷۵	۰/۲۰	۰/۰۱۵	۱/۹۹	۰/۰۴۷	۰/۵۸



با توجه به اهمیت متغیر «احساس محرومیت نسبی در بُعد سیاسی» در اینجا این متغیر به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شد و اثر سایر متغیرها بر آن به روش رگرسیون چندمتغیره گام‌به‌گام مورد بررسی قرار گرفت. این مسئله در جدول شماره ۷ نشان داده شده است. همان‌گونه که در این جدول دیده می‌شود، شش متغیر شامل: رضایت از نظام سیاسی با جهت منفی، احساس تبعیض در دسترسی به مشاغل با جهت مثبت، نگرش نسبت به معیشت قوم عرب با جهت مثبت، نگرش مثبت نسبت به اقوام در خوزستان با جهت منفی و نگرش نسبت به ممنوعیت ماهواره با جهت منفی و جنس مرد بودن (با توجه به کدگذاری)، متغیرهایی هستند که احساس محرومیت نسبی در بُعد سیاسی را پیش‌بینی می‌کنند. احساس محرومیت نسبی در بُعد سیاسی در نهایت ۰/۵۹ توسط این شش متغیر پیش‌بینی می‌شود. همان‌گونه که در جدول مذکور مشاهده می‌شود، مهم‌ترین متغیر برای تبیین احساس محرومیت نسبی در بُعد سیاسی، متغیر رضایت از نظام سیاسی است که به تنهایی ۰/۳۳ از واریانس احساس محرومیت نسبی در بُعد سیاسی را تبیین می‌کند. همچنین جهت این رابطه نیز منفی است. به بیان دیگر رضایت از نظام سیاسی، احساس محرومیت نسبی در بُعد سیاسی را کاهش می‌دهد و برعکس.

جدول ۷. عناصر متغیرهای درون معادله برای پیش‌بینی احساس محرومیت نسبی در بُعد سیاسی

شماره فرضیه و نام متغیر	R	B	beta	t	سطح معناداری	R ²
۱. رضایت از نظام سیاسی	۰/۵۸	-۰/۲۲	-۰/۲	-۴/۲۷	۰/۰۰۰	۰/۳۳
۲. احساس تبعیض در دسترسی به مشاغل	۰/۶۸	۰/۴۹	۰/۳۹	۹/۵۴	۰/۰۰۰	۰/۴۷
۳. نگرش نسبت به معیشت قوم عرب	۰/۷۴	۰/۳	۰/۲۳	۵/۳۱	۰/۰۰۰	۰/۵۵
۴. نگرش مثبت نسبت به اقوام در خوزستان	۰/۷۵	-۰/۱۶	-۰/۱۵	-۳/۵۵	۰/۰۰۰	۰/۵۷
۵. نگرش نسبت به ممنوعیت ماهواره	۰/۷۶	-۰/۸۶	-۰/۱۲	-۳/۱۹	۰/۰۰۲	۰/۵۸
۶. جنس	۰/۷۷	-۰/۶۱	-۰/۰۸	-۲/۱۱	۰/۰۳۵	۰/۵۹

نتیجه‌گیری

در این تحقیق، رابطه ۲۲ متغیر بر هویت قومی در قالب ۲۲ فرضیه مورد ارزیابی قرار گرفت که در تحلیل دو متغیره، ۲۱ فرضیه مورد اثبات قرار گرفت و تنها ارتباط با خارج از کشور ارتباط معناداری با هویت قومی از خود نشان نداد. اما در تحلیل چندمتغیره (جدول شماره ۴) نه متغیر بر هویت قومی در رگرسیون چندمتغیره گام‌به‌گام وارد معادله رگرسیونی شدند. به عبارت دیگر وقتی که تأثیر



تمام متغیرها بر هویت قومی مورد سنجش قرار گرفت، نه متغیر ارتباط معناداری با هویت قومی داشتند که در نهایت توانستند ۰/۵۸ واریانس هویت قومی را تبیین کنند. در بُعد پیامدها نیز هر سه بُعد هویت ملی، گرایش به خودمختاری و گرایش به خشونت، ارتباط معناداری با هویت قومی داشتند. بر اساس مقدار آماره به دست آمده، مهم ترین پیامد تشدید هویت قومی در میان عرب‌ها، وجود چالش در هویت ملی جامعه آماری بوده است. در تحلیل دومتغیره، بیشترین مقدار همبستگی با متغیر هویت قومی را به ترتیب متغیرهای زیر داشته‌اند: (۱) رضایت از نظام سیاسی، (۲) احساس محرومیت نسبی در بُعد سیاسی و (۳) احساس محرومیت نسبی در بُعد اقتصادی. در تحلیل چندمتغیره نیز متغیرهای احساس محرومیت نسبی در بُعد سیاسی و احساس محرومیت نسبی در بُعد اقتصادی به ترتیب در مرحله اول و دوم بر هویت قومی تأثیر گذار بودند.

با وجود اینکه بیشتر تحقیقاتی که در مورد قوم عرب صورت گرفته، محرومیت اقتصادی را مهم ترین متغیر مؤثر بر هویت قومی عرب‌ها دانسته‌اند، (قیم، ۱۳۸۰؛ نواح، ۱۳۸۳) و یا معضلات و محرومیت اجتماعی را مهم ترین خوانده‌اند (قیصری، ۱۳۷۱)؛ اما نتایج این تحقیق نشان داد احساس محرومیت نسبی در بُعد سیاسی دارای اهمیت قابل توجهی است. به طور کلی، این متغیر تحت تأثیر شش متغیر دیگر قرار دارد. متغیرهای رضایت از نظام سیاسی، و نگرش مثبت نسبت به اقوام در خوزستان باعث کاهش احساس محرومیت نسبی در بُعد سیاسی می‌شوند و متغیرهای احساس تبعیض در دسترسی به مشاغل و نگرش نسبت به معیشت قوم عرب، احساس محرومیت نسبی در بُعد سیاسی را افزایش می‌دهند. همچنین هرچه پاسخگویان نگرش منفی تری نسبت به ممنوعیت ماهواره داشته باشند، احساس محرومیت نسبی آنها در بُعد سیاسی بیشتر می‌شود. عامل جنسیت در مردان نیز با احساس محرومیت نسبی در بُعد سیاسی رابطه دارد.

در مجموع می‌توان عوامل مؤثر بر هویت قومی جامعه آماری مورد بررسی را به لحاظ اهمیت در دو دسته جای داد: دسته نخست شامل متغیرهایی است مانند: احساس محرومیت نسبی در بُعد سیاسی، احساس محرومیت نسبی اقتصادی فردی با تأثیر مثبتی که هر دو بر هویت قومی دارند، نگرش مثبت نسبت به اقوام در خوزستان با تأثیر منفی بر هویت قومی، اعتقاد به نخبگان قوم عرب، با تأثیر مثبت بر هویت قومی، و رضایت از نظام سیاسی، با تأثیر منفی بر هویت قومی. دسته دوم نیز شامل متغیرهای مشارکت در امور سیاسی با تأثیر مثبت بر هویت قومی، رضایت از رسانه ملی با تأثیر منفی بر هویت قومی، استفاده از رسانه‌های سیاسی خارجی با تأثیر مثبت بر هویت قومی، و احساس محرومیت نسبی اقتصادی استان با تأثیر

مثبت بر هویت قومی، می‌شود. به این ترتیب می‌توان گفت هویت قومی عرب‌ها و تشدید آن در استان خوزستان به‌طور کلی و در شهر اهواز به‌طور خاص را نمی‌توان با توسل صرف به نظریه‌های مدرنیزاسیون توضیح داد بلکه گسترش شاخص‌های زندگی مدرن در کنار توزیع نامتوازن آنکه موجد احساس تبعیض در میان عرب‌ها چه در دستیابی به امکانات رفاهی و چه در دستیابی به مناصب و مشاغل شده و همچنین نظریه ابزاری قومیت که عمدتاً این فاکتور مورد بهره‌برداری نخبگان قرار گرفته، می‌تواند تبیین‌کننده ابعاد از تشدید این هویت باشد.

در پایان، برای مدیریت مسائل ناشی از شدت یابی هویت قومی و کاهش آسیب‌های ناشی از آن در جامعه آماری به چند پیشنهاد و راهکار اشاره می‌شود.

۱. در سطح کلان می‌توان گفت که پیش از هر چیز باید واقعیتی به نام «هویت قومی و شدت یابی آن»، حتی در شرایط آرامش، جدی گرفته شود.

۲. باید برای کاهش احساس محرومیت نسبی راهکارهایی در نظر گرفته شود. هر راهکاری در این منظور به زمان احتیاج دارد. باین حال اجرایی شدن سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی و دقت بیشتر در توزیع امکانات می‌تواند بسیار مؤثر باشد.

با توجه به ساختار دولتی اقتصاد ایران، مردم مشکلات اقتصادی را ناشی از مسائل سیاسی می‌دانند که این مسئله در جامعه آماری نیز مشاهده شده است. بنابراین باید اقدام‌هایی جهت رفع محرومیت در جامعه آماری صورت گیرد. حل بخش اعظمی از مشکلات اقتصادی کشور نیاز به حمایت از بخش خصوصی و حمایت از سرمایه‌گذاری‌های خصوصی دارد. در این میان می‌توان به فراهم کردن تسهیلات از سوی دولت برای آن دسته از بخش‌های خصوصی اشاره کرد که در مناطق محروم سرمایه‌گذاری می‌کنند؛ با این حال، دولت نباید وظیفه خود را در حمایت اقتصادی از اقشار کم‌درآمد جامعه فراموش کند. در این راستا اختصاص بودجه محرومیت‌زدایی (با توجه به معضل مهم بیکاری و تحت پوشش قرار دادن مردم در تأمین اجتماعی) ضرورت پیدا می‌کند؛ بنابراین، حمایت مالی دولت از افرادی در آمد عرب و غیرعرب در شهر اهواز، از راهکارهای مهمی است که هر چند صبغه اقتصادی دارد، اما کارکرد سیاسی آن بارزتر است.

۳. بازنگری مفهوم هویت ملی و ابعاد و مؤلفه‌های آن در کتاب‌های درسی. «در برنامه‌های درسی معاصر گرچه تأکیداتی بر هویت ملی دیده می‌شود، اما مفهوم هویت ملی در این موضوعات، به معنای اخص کلمه نیست، بلکه چون واجد جنبه‌های سنتی برگرفته از تاریخ اسلام است، به رشد باورهای سنتی در میان اعراب می‌انجامد» (نواح و تقوی‌نسب، ۱۳۸۶: ۱۶۰).



منابع

- الطائی، ع. (۱۳۸۲) بحران هویت قومی در ایران، تهران: نشر شادگان.
- براقی، ف. (۱۳۸۰) شیخ خزعل در مقابله با دولت مرکزی (۱۹۲۵-۱۹۱۱ م، ۱۳۰۴-۱۲۹۰ ه. ش)، پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته تاریخ، شیراز: دانشگاه شیراز.
- تقوی نسب، م. (۱۳۸۶) بررسی عوامل داخلی مؤثر بر هویت قومی و ملی در میان اعراب شهرستان اهواز، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، شیراز: دانشگاه شیراز، بخش جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی. چلبی، م. (۱۳۸۲) جامعه‌شناسی نظم، تهران: نشر نی.
- حاجیانی، الف. (۱۳۸۰) «الگوی سیاست قومی در ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهارم، شماره اول و دوم، بهار و تابستان، شماره مسلسل ۱۱ و ۱۲، صص ۱۳۸-۱۱۹.
- رنجبر، م. (۱۳۸۴) «معرفی و نقد کتاب: نظریه‌های ناسیونالیسم اثر اموت اوز کریملی»، فصلنامه مطالعات ملی، سال ششم، شماره ۴، صص ۱۶۶-۱۵۳.
- ساروخانی، ب. (۱۳۸۰) روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، جلد دوم: بینش‌ها و فنون، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سیادت، م. (۱۳۷۹) تاریخچه خوزستان از دوره افشاریه تا دوره معاصر، جلد دوم، قم: دفتر خدمات چاپ و نشر عصر جدید.
- شیخاوندی، د. (۱۳۸۰) «تأخیر در تکون هویت ایرانی در جریان تجدید»، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، ویژه‌نامه دومین همایش مسائل اجتماعی ایران، شماره ۳، صص ۱۳۵-۱۱۳.
- طالقانی، م. (۱۳۸۰) روش تحقیق نظری، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۳) هویت‌های قومی و باورهای اجتماعی، کارگاه تحلیل یافته‌های پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بی‌جا: انتشارات طرح‌های ملی.
- عالمی نیسی، م. (۱۳۸۳) مطالعه میزان برجستگی هویت‌های فرهنگی و جمعی و پیش‌بینی آینده آن. پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهش جامعه‌شناسی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- عبداللهی، م. (۱۳۸۰) «تنوع قومی در ایران: چالش‌ها و فرصت‌ها (بخش دوم)». فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم، شماره ۹، پاییز، صص ۳۷۳-۳۲۴.
- قاسمی، م. (۱۳۸۱) «درآمدی بر پیدایش مسائل قومی در جهان سوم»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال پنجم، شماره اول، بهار، صص ۱۳۴-۱۲۳.
- قیصری، ن. (۱۳۸۱) «قومیت عرب خوزستان و هویت ملی در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره اول، بهار ۱۳۷۷.
- قیم، ع. (۱۳۸۰) «نگاهی جامعه‌شناختی به زندگی و فرهنگ مردم عرب خوزستان»، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره ۷، بهار، صص ۲۲۵-۱۸۷.
- کسروی تبریزی، الف. (۱۳۸۱) تاریخ پانصدساله خوزستان، تهران: دنیای کتاب.
- گار، ت. (۱۳۷۸) «اقلیت‌ها، ملی‌گراها و برخورد‌های سیاسی»، مترجم: حمیدرضا کریمی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره اول، پاییز، صص ۲۳۲-۲۰۷.





- گل محمدی، الف. (۱۳۸۳) *جهانی‌شدن فرهنگ، هویت، تهران: نشر نی.*
- لهسایی زاده، ع. (۱۳۸۵) *جامعه‌شناسی آبادان، چاپ دوم، تهران: کیان مهر.*
- محمد هیودی، م. (۱۳۸۴) *نقش تمایلات قومی در مشارکت سیاسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.*
- مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، (۱۳۸۵) *گزارش راهبردی حاشیه‌نشینی و ناآرامی‌های اجتماعی در اهواز. معاونت پژوهش‌های اجتماعی و فرهنگی.*
- نبوی، ع. (۱۳۸۳) «خوزستان و چالش‌های قوم‌گرایانه»، *ایران، هویت، ملیت، قومیت، به کوشش حمید احمدی، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، صص ۵۳۰-۴۸۷.*
- نواح، ع. (۱۳۸۳) *قوم عرب، واگرایی یا همگرایی، اهواز: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان خوزستان.*
- نواح، عبدالرضا و سید مجتبی تقوی‌نسب (۱۳۸۶) *بررسی عوامل مؤثر بر تشدید هویت قومی به عنوان یکی از عوامل مهم تأثیرگذار در چالش‌های استان خوزستان، مورد مطالعه: عرب‌های شهرنشین استان خوزستان، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.*
- Ahmadi, H. (1995) *The Politics of Ethnic Nationalism in Iran*, PhD Thesis, Carleton University, Faculty of Graduate Studies and Research, Dept of Political Science.
- Al-Issa, I. (1997) *Ethnicity, Immigration, and Psychopathology*, Edited by Ihsan Al-Issa and Michel Tousignant, New York & London: Plenum Press.
- Chandra, K. (2006) "What is Ethnic Identity and Does It Matter?", *Annual Review of Political Science*, Vol. (-): 397-424.
- Cozby, P. C. (2003) *Methods In Behavioral Research*, New York: McGraw-Hill.
- Gary M. and Helena A. (2006) "Comparative Ethnic politics in the United States: Beyond Black and White", *Annual Review of Political Science*, Vol. 9 (-): 375-95.
- Mika LaVaque-Manty (2006) "The Bentley Truman and The Study of Groups", *Annual Review of Political Science*, Vol. 9 (-): 1-18.
- Mousseau Demet, Y. (2001) "Democratizing with Ethnic Divisions: A Source of Conflict?", *Journal of Peace Research*, Vol. 38 (5): 547-567.
- Tsui-Auch, Lai Si (2005) "Unpacking Regional Ethnicity and the Strength of Ties in Shaping Ethnic Entrepreneurship", *Organization Studies*, Vol. 26 (8): 1189-1216
- Vanhen, T. (1999) "Domestic Ethnic Conflict and Ethnic Nepotism: A Comparative Analysis", *Journal of Peace Research*, Vol. 36 (-): 55-75.
- Liliana Rodriguez et al (2010) "American Identity Revisited: The Relation between National, Ethnic, and Personal Identity in a Multiethnic Sample of Emerging Adults", *Journal of Adolescent Research March*, Vol. 25(2): 324-349
- John E. & Lochmanand, H. (2009) "Ethnic Identity in African American and European American Preadolescents: Relation to Self-Worth, Social Goals, and Aggression", *The Journal of Early Adolescence*, August Vol. 29(4): 476-496